

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱۹	پیش گفتار.....
۲۵	مقدمه.....
۲۹	دیگر از این کارها نکنید!.....
۳۰	استهلاک ماشین چی؟.....
۳۱	با هیچ کس تعارف ندارم.....
۳۲	اینها سرمایه‌ی مردم است.....
۳۳	خودکار مال من نیست، بیت المال است!.....
۳۴	پیاده می‌آمد!.....
۳۵	بعد از انقلاب، دستگاه تکثیر را هدیه کرد!.....
۳۶	تلفن روی میز، بیت المال است.....
۳۷	نگهداری وسیله‌ی بیت‌المال.....

- ۳۸ ما از این پولها نداریم!
- ۴۰ درس بزرگ
- ۴۱ باورنکردنی
- ۴۲ مسئول در برابر بیت المال
- ۴۳ با این خودکار نه!
- ۴۴ این که مربوط به بیت المال است
- ۴۶ سفر شخصی چه ربطی به بیت المال دارد؟
- ۴۹ عزل مسئول خاطی
- ۵۰ بیت المال است، نمی توان دور انداخت!
- ۵۱ اضافه بر سهمیه را پس داد!
- ۵۲ صندوق قرض الحسنه از پول شخصی
- ۵۳ ادای دین
- ۵۴ اورکت نو و کهنه!
- ۶۶ تا قرآن آخر، پولها را گرفت!
- ۶۷ راه کار حفظ بیت المال
- ۶۸ با ماشین شخصی می رویم!
- ۶۹ اسراف در مصرف گلوله
- ۷۰ آیا آن پیر زن راضی است؟
- ۷۱ هواپیما را سالم به زمین نشاند
- ۷۲ کشور نیازهای واجب تری دارد!
- ۷۳ این حق کی بود؟
- ۷۵ کناره های نان را می خورد!

- از بیرون شام خرید! ۷۶
- هنوز قابل استفاده است! ۷۷
- باید اورکت را تحویل بدهی! ۷۹
- ما که پیاده رفتیم، شما خود دانی! ۸۱
- خانه‌ی کدخدا گردو زیاده اما با شمارش ۸۲
- حساسیت رعایت بیت المال ۸۴
- همان غذا را بازرس ها بخورند! ۸۶
- نهایت احتیاط ۸۸
- نمی توانیم ماشین دنبالتان بفرستیم! ۸۹
- کره‌ی محلی! ۹۰
- خودت را جهنمی نکن ۹۱
- فردای قیامت ۹۲
- پول داشتم اما مال سیاه بود ۹۳
- نقشه را روی تکه‌ی کاغذی کشید! ۹۴
- این بیت الماله! ۹۵
- گناه داره مادر جان! ۹۷
- این امانت مردم است ۹۸
- چرا کفران نعمت می‌کنند؟ ۹۹
- قابل استفاده ۱۰۱
- لباس‌های بیت المال آسیبی نبیند! ۱۰۳
- متعلق به مردم است نه من! ۱۰۴
- خوردنش برای ما حرام است! ۱۰۷

- از صاحب‌خانه اجازه بگیر! ۱۰۸
- شما استفاده نکنید! ۱۰۹
- فشنگها را جمع می‌کرد! ۱۱۱
- گفت: نه! ۱۱۲
- پاره نکنید، لباس بیت‌المال است! ۱۱۳
- پس چرا ماشین را پارک کردی؟ ۱۱۴
- پیش خدا، جوا بگوی آن نیستم! ۱۲۰
- سعی می‌کرد مدیون بیت‌المال نباشد ۱۲۲
- مو را از ماست می‌کشید! ۱۲۴
- از خاک هم پست‌تر هستند! ۱۲۶
- باید به کار بیاید! ۱۲۷
- حساب بیت‌المال باید جدا و مشخص باشد ۱۲۸
- بیا با تاکسی برویم! ۱۲۹
- به پدرش اجازه نداد! ۱۳۰
- ما پیاده رفتیم، شما می‌دانید و موتور بیت‌المال ۱۳۱
- چطور به خودم حق بدهم؟ ۱۳۲
- اگر از سهمیه‌ی مردم است راضی نیستم! ۱۳۴
- خودت غذا درست کن! ۱۳۷
- چرا غذای بیت‌المال را خوردی؟ ۱۳۸
- امشب این شام من است! ۱۴۰
- سه دانه مغز بادام برداشت ولی نخورد! ۱۴۲
- نمیتوانم بنزیش را به تو بدهم! ۱۴۳

- استفاده‌ی درست و بجا ۱۴۶
- حتی یک سر سوزن ۱۴۷
- این پول مال بیت‌المال است ۱۴۸
- پس چرا بیت المال را هدر دادند؟ ۱۵۰
- لباس وقتی پاره شد، عرضش نمی‌کنند می‌دوزند! ۱۵۱
- نسبت به رد امانت بیت‌المال بی تفاوت نباش ۱۵۴
- هدف ما چیز دیگری است! ۱۵۶
- چرا بی نوبت دادید؟ ۱۵۷
- این سفره مولایی نیست! ۱۵۹
- خوف از ضرر به بیت المال! ۱۶۳
- حتی دوست صمیمی! ۱۶۴
- برای ما بهتر بود نه برای بیت المال! ۱۶۶
- مبادا وسوسه شویم! ۱۷۰
- شما حق ندارید! ۱۷۱
- مال بیت الماله! ۱۷۲
- اینها اموال مردم است! ۱۷۳
- نگذاشت برتقال را بردارد! ۱۷۴
- برای من حرام است! ۱۷۵
- نباید انتظار پارتی بازی داشته باشی! ۱۷۶
- خودم باید جبران کنم! ۱۷۹
- باید از آن خوب نگهداری کرد! ۱۸۰
- آن را قرض گرفته بودم! ۱۸۳

- سه کیلومتر را پیاده رفتیم!..... ۱۸۴
- نمی توانم با این خودرو شما را برسانم!..... ۱۸۵
- صبر می کنم تا نوبت من برسد!..... ۱۸۶
- نه! اینهمه خرج روی دست دولت نمی گذارم!..... ۱۸۷
- قانع باشید..... ۱۸۹
- چرا از بیت المال استفاده می کنی؟..... ۱۹۰
- ماشین کو؟..... ۱۹۲
- اهمیت به بیت المال..... ۱۹۳
- خودکار بیت المال..... ۱۹۴
- حاضر نشد از خودروی سپاه استفاده کند..... ۱۹۵
- قیمت پوتین و پول بنزین رفت و برگشت!..... ۱۹۶
- این سوزن را باید سر جایش بگذارم!..... ۱۹۸
- همان تاریخ حقیقی را بنزید..... ۱۹۹
- حق استفاده می ندارم..... ۲۰۰
- من در حال مأموریتم..... ۲۰۱
- حاضر نشد از ماشین بیت المال استفاده کند..... ۲۰۲
- کارش را با وسیله شخصی انجام می داد..... ۲۰۳
- نان خرده های سفره را می خورد..... ۲۰۴
- حاضرم بچه را کول کنم ولی..... ۲۰۵
- حق الناس..... ۲۰۶
- یک کیسه گلوله..... ۲۰۷
- بیت المال..... ۲۰۹

- ۲۱۰ راضی نیستم
- ۲۱۱ کوپن بنزین بیت‌المال!
- ۲۱۲ چرا نوک پوتینت را به سنگ می‌زنی؟
- ۲۱۶ استفاده شخصی ممنوع، حتی ۲۰۰ متر!
- ۲۱۸ حوله‌ی تدارکات
- ۲۱۹ ماشین جبهه!
- ۲۲۱ تلفن به منزل از مخابرات!
- ۲۲۳ با ماشین‌های عبوری رفت!
- ۲۲۴ من اینجا کار دارم!
- ۲۲۵ همه‌ی ماشینها مال ما هستند!
- ۲۲۶ تماس با تلفن عمومی!
- ۲۲۸ حتی یک جفت جوراب
- ۲۲۹ وضعیت اضطراری و بیت‌المال
- ۲۳۰ حتی برای رساندن خانواده حاضر نبود از بیت‌المال استفاده کند!
- ۲۳۱ یک گلوله هم نماند
- ۲۳۲ عکس مرا چاپ نکنید
- ۲۳۳ نخواستم از لباس سوء استفاده شود!
- ۲۳۵ معادل هزینه را کنار گذارد
- ۲۳۶ می‌گشت مهمات‌ها را جمع می‌کرد!
- ۲۳۷ کارت شناسایی خود را نزد صندوقدار گذاشت!
- ۲۴۰ لباس نوی بیت‌المال
- ۲۴۱ نمی‌خواهم ضرری به بیت‌المال زده باشم!

- ۲۴۳ برق را خاموش و گردسوز را روشن می‌کند!
- ۲۴۵ اگر اوّل می‌گفتید با تاکسی می‌آمدیم!
- ۲۴۷ بگذارید برایتان ماشین بگیرم!
- ۲۴۹ باید ماشین پیدا کنم.
- ۲۵۰ چرا ماشین بیت‌المال را برداشته‌اید؟
- ۲۵۲ چهل کیلومتر روی گلگیر تراکتور!
- ۲۵۳ بخاطر اسلام از ماشین شرکت استفاده نمی‌کنم.
- ۲۵۴ سوئیچ ماشینت را بده!
- ۲۵۶ موقع برگشتن، با تاکسی بروید!
- ۲۵۸ تعیین مسؤوّل برای حفظ اموال بیت‌المال.
- ۲۶۰ اگر صدسال هم بماند با ماشین سپاه او را نمی‌آورم!
- ۲۶۱ استهلاکش را چه می‌کنی؟
- ۲۶۲ چرا با اسلحه‌ی بیت‌المال ماهی می‌گیرند؟
- ۲۶۳ نمی‌توانم به خون شهدا خیانت کنم.
- ۲۶۵ حق نداری بیت‌المال را به خانم من بدهی!
- ۲۶۶ ممانعت از استفاده‌ی بیت‌المال.
- ۲۶۷ مبلغی را به حساب شهرداری واریز کنید!
- ۲۶۸ این وسائل همه مال بیت‌المال است.
- ۲۷۱ یک کیسه سیمان، پول چند تا تخم‌مرغ است؟
- ۲۷۴ جریانِ تخم‌مرغ چیست؟
- ۲۷۶ چند دقیقه تحمّل کن، تاکسی پیدا می‌شود!
- ۲۷۸ بفکر وسایل بیت‌المال و خارج کردن آنها به جای امن بود!

- کفش و لباس بیت‌المال را نمی‌شود همه‌جا پوشید!..... ۲۷۹
- پوتین و لباس نگرفت!..... ۲۸۰
- اگر بچه‌ام بمیرد هم از بیت‌المال استفاده نمی‌کنم!..... ۲۸۱
- مگر می‌شود از بیت‌المال سلف خرید؟..... ۲۸۲
- شرمنده‌ام و عذر می‌خواهم!..... ۲۸۴
- پیاده رفت دیدن پدرش!..... ۲۸۶
- تأسیس قرض‌الحسنه و حل مشکلات مالی نیروها..... ۲۸۷
- بنزین آزاد به جای بنزین بیت‌المال..... ۲۸۸
- بنزین آزاد می‌زد نه کوپنی!..... ۲۸۹
- خودم تنها می‌روم!..... ۲۹۰
- باید همین الان ماشین را برگردانی!..... ۲۹۱
- التماس می‌کرد آموزشها را بخاطر بیت‌المال جدی بگیرید!..... ۲۹۲
- ماشین را پارک کرد بعد به دیدن پدرش رفت!..... ۲۹۳
- حالا که مأموریت تمام شده ماشین باید برگردد..... ۲۹۴
- فردای قیامت نمی‌توانم جواب میلیونها نفر را بدهم!..... ۲۹۵
- برای اشتباهت، صد تومانی جریمه می‌شوی!..... ۲۹۶
- ما در محاصره‌ی اقتصادی هستیم..... ۲۹۷
- خودکار بیت‌المال!..... ۲۹۸
- پیاده و با لباس خیس آمد!..... ۲۹۹
- ردیفهایی در دفترچه‌ی یادداشت..... ۳۰۰
- هزینه‌ی سفرش را از حساب شخصی پرداخت!..... ۳۰۱
- باید لاشه‌اش را پیدا کنی!..... ۳۰۲

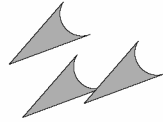
- ۳۰۳..... حالا بیت‌المال است و حق استفاده ندارید!
- ۳۰۴..... امروز جهت کارهای شخصی آمده بودم!
- ۳۰۶..... نمی‌توانم بیت‌المال را به بخشم!
- ۳۰۷..... نهار را در منزل می‌خورد نه اداره!
- ۳۰۸..... چرا با وسیله‌ی نقلیه‌ی عمومی نمی‌آیید؟
- ۳۰۹..... موتور را برگرداند به شورا!
- ۳۱۰..... زمین را بدهید به آنهایی که نیاز دارند!
- ۳۱۱..... حق با شماست، باید بیشتر مراقبت می‌کردم!
- ۳۱۲..... خودش از سرما می‌لرزید اما پتوها را روی ماشین می‌انداخت!
- ۳۱۴..... اجازه ندارم بارکشی کنم!
- ۳۱۶..... امانتدار بیت‌المال در جبهه‌ها.
- ۳۱۸..... می‌دانی چقدر خسارت زدی؟
- ۳۱۹..... همه‌ی اینها جزو بیت‌المال است.
- ۳۲۰..... پوتین‌های استفاده شده را واکس می‌زد و به انبار می‌برد!
- ۳۲۱..... امانت‌ها را قبل از شهادتش بازپس داد.
- ۳۲۲..... مادرش را با ماشین سپاه به بیمارستان نرساند!
- ۳۲۳..... عذر بدتر از گناه!
- ۳۲۴..... کاش می‌شد قطعات را تعمیر کرد!
- ۳۲۵..... وجه تلفن را کجا و چگونه پرداخت کنم؟
- ۳۲۶..... کیلومتر ماشین را یادداشت می‌کرد!
- ۳۲۷..... نمی‌خواهم پول بیت‌المال خرج من شود!
- ۳۲۸..... با ماشین بیت‌المال نمی‌توانم.....

- ۳۲۹خودم باید جبران کنم نه بیت‌المال
- ۳۳۰این هم جریمه‌ی بیت‌المال
- ۳۳۲با درخواست همسرش مخالفت می‌کند!
- ۳۳۳پول بیت‌المال را با هر دو دستش می‌شمرد!
- ۳۳۴در شدت گرما ایستاد ولی سوار ماشین بیت‌المال نشد!
- ۳۳۶این اتوبوس جزو اموال سپاه است
- ۳۳۷از بیت‌المال نمی‌توان گذشت!
- ۳۳۸این ماشین مخصوص کارهای سپاه است
- ۳۳۹از مجموعه‌ی سپاه حلالیت می‌خواهم!
- ۳۴۱استفاده‌ی شخصی ممنوع!
- ۳۴۲با ماشین عبوری از بیمارستان به خانه رفت!
- ۳۴۳به پدرش گفت در شهر غذا بخورد نه غذا مقرر را!
- ۳۴۴از دوستانش اتومبیل قرض می‌گرفت!
- ۳۴۵گلوله‌ی بیت‌المال
- ۳۴۶بادگیر موتور را عوض کرد
- ۳۴۷آجیل با پول توجیبی مدرسه!
- ۳۴۸تلفن مال بیت‌المال است!
- ۳۴۹پوکه‌ها را جمع می‌کرد
- ۳۵۰آقای برادر، این‌طوری بهتر است!
- ۳۵۱در مواقع خطر به فکر امکانات بود!
- ۳۵۲با این سیم‌ها، مقرها را به هم ارتباط می‌دهم!
- ۳۵۳پلیت‌ها را جمع می‌کرد تا از بین نروند!

- تمام راه را پیاده آمده بود!..... ۳۵۴
- قند و چای خود را از منزل می آورد!..... ۳۵۵
- حاضر نشد از پول و ماشین در اختیار، استفاده کند..... ۳۵۷
- چرا لامپ سالم را دور می اندازید؟..... ۳۵۸
- نمی توانم در امانت خیانت کنم..... ۳۵۹
- پول بنزین را از دایی اش گرفت!..... ۳۶۰
- از پاره شدن چند گونی خیلی ناراحت بود!..... ۳۶۱
- فردای قیامت سبک بارتری..... ۳۶۲
- پول شخصی ندارم، میوه نمی خرم!..... ۳۶۳
- خاله اش را با تاکسی در بست فرستاد!..... ۳۶۴
- با ماشین دولتی نمی شود رفت تفریح..... ۳۶۵
- چرا از حساب بیت المال بذل و بخشش می کنید؟..... ۳۶۶
- این توقع نابجاست!..... ۳۶۷
- تمام اینها بیت المال است..... ۳۶۸
- امانت مردم دستت است..... ۳۶۹
- با خرج خودت بیا جبهه!..... ۳۷۰
- جریمه ی کوتاهی در حفظ بیت المال..... ۳۷۱
- لباس اضافی را آورده ام پس بدهم!..... ۳۷۲
- با دسته کلنگ زد و حالم را جا آورد!..... ۳۷۴
- آن دنیا من باید جواب بدهم نه آنها..... ۳۷۵
- دقیقه ها و ثانیه ها را حساب می کرد و پولش را می داد!..... ۳۷۶
- برای من از بیت المال حیف و میل نشود..... ۳۷۷

- ۳۷۸ می خواهی من را جهنمی کنی؟
- ۳۷۹ حسابش را با بیت‌المال تسویه کرد.
- ۳۸۰ حالا دیگر آزاد شدم!
- ۳۸۱ مگر یک بند پوتین چقدر ارزش دارد؟
- ۳۸۳ بیت‌المال است، نمی‌شود دورش انداخت!
- ۳۸۴ چرا پیراهنت را درآوردی؟
- ۳۸۶ با این که حال همسرش وخیم بود از ماشین اداره استفاده نکرد!
- ۳۸۹ نان و ماست سپاه را به خانهاش نبرد!
- ۳۹۰ بادگیر مال بیت‌المال است، باید تحویل بدهم!
- ۳۹۱ یک سوزن ته‌گرد هم بیت‌المال است!
- ۳۹۳ گونی و جمع‌آوری وسایل باقی مانده!
- ۳۹۴ روز قیامت این سیخ‌ها را تو بدنت فرو می‌کنند!
- ۳۹۶ پاگذاشتی روی خون شهدا!
- ۳۹۷ حالا این وام برای من هیچ ارزشی ندارد!
- ۳۹۹ نمی‌توانم خرجش کنم.
- ۴۰۰ بیت‌المال برای خود شیرینی!
- ۴۰۱ خودمان می‌رویم!
- ۴۰۲ از این ماهیها نخورد که نخورد!
- ۴۰۳ نگهداری اسلحه تا حدّ جان!
- ۴۰۴ برای رفت و آمد از ماشین سپاه استفاده نمی‌کرد.
- ۴۰۵ نباید گلوله‌ها را هدر داد!
- ۴۰۶ از وسیله‌ی شخصی و سرویس استفاده نمی‌کرد!

- ۴۰۸ به چه حقی برای بچه‌ی من ماشین می‌فرستی؟
- ۴۱۰ یک جفت پوتین یعنی یک سرباز!
- ۴۱۱ اموال دولت باید صرف امور دولت بشود.
- ۴۱۲ از امکانات دولتی به هیچ وجه استفاده نمی‌کرد.
- ۴۱۳ ما هرگز چنین اجازه‌ای نخواهیم داد!
- ۴۱۵ منابع



پیش گفتار

خاطرات دفاع مقدس غالباً در پاکترین لحظات زندگی صاحبان خاطره رخ داده، لذا شایسته است آن لحظه‌های غنیمت ثبت و منتشر شود. آن لحظه‌ها، همان حلقه‌هایی است که بشر سردرگم امروز را می‌تواند به "صراط‌الذین انعمت علیهم" که مصداق کامل آن ائمه‌ی معصومین علیهم السلام هستند، واصل نماید.

صاحبان خاطرات دفاع مقدس ثابت کردند که می‌شود پس از هزار و چهار صد سال سرکوب اسلام، به رهنمود خلیفه‌الله ساز خلیفه‌ی به حق خدا حضرت علی علیه‌السلام جامه‌ی عمل پوشاند که فرمود: **اَعِينُونِي بِوَرَعٍ وَاجْتِهَادٍ وَعِفَّةٍ وَسِدَادٍ**.

با پرهیزکاری و تلاش فراوان و پاکدامنی و راستی مرا یاری دهید. (نهج‌البلاغه/نامه ۴۵)

وقتی مربی مردان دفاع مقدس، بزرگمردی است که با پرهیز از پا گذاشتن بر روی کفش طلب در هنگام ورود به حجره‌ی تدریس،

از مویرگ ظلم دوری می‌کند، بالطبع محصول این مکتب روح الهی باید مردانی باشند که در لحظات اضطراری ورود به میدان مین، پیراهن از تن به در کنند که؛ اگرچه ما رفتی هستیم، اما چرا لباس بیت‌المال تکه‌تکه شود!

آنان اثبات کردند؛ می‌شود سیره‌ی جهاد اکبر و اصغر را توأم با هم در صورت جوان قرن بیستم متجلی کرد. به شرط آن که با عمل و نه زبان تنها (کونوا دعاء الناس بغير الستکم) به اسلام دعوت شده باشند.

مجموعه کتب سیره‌ی شهدای دفاع مقدس، حاوی گلچینی از خاطرات راویان در خصوص آن سفر کردگان دیار هستی است که در طول سال‌های گذشته توسط ناشران مختلف به زیور طبع آراسته شده است.

انگیزه‌ی مؤسسه‌ی فرهنگی هنری قدر ولایت از انجام این پروژه اهداف زیر است:

۱- بسیاری از کتب دفاع مقدس در سالهای گذشته و تنها برای یک بار به چاپ رسیده و در همان سال‌ها نیز عرضه شده است. لذا مخاطبین امروز از دستیابی به آن کتب و خاطرات محرومند. در حالی که اهمیت آن به دلیل نزدیکی نقل خاطره به زمان رویداد، بیشتر از خاطراتی است که هم‌اکنون نقل می‌شود.

این پروژه با جستجوی کتب مذکور، بخش عظیمی از خاطرات ناب شهیدان گرانقدر را دوباره احیا نموده و ماندگار کرده است.

۲- خاطرات دفاع مقدس دستمایه‌ای متعالی و فوق‌العاده مستعد برای خلق آثار ادبی و هنری از جمله داستان، نمایشنامه، رمان، شعر، فیلمنامه و غیره است. گزینش خاطرات خوب و نیز دسته‌بندی موضوعی آن، ادبا و هنرمندان و نیز پژوهشگران این عرصه را از جستجوی زمان‌بر و نامنظم بی‌نیاز کرده است.

۳- شهدای گرانقدر دفاع مقدس با تمسک به آیه‌ی شریفه‌ی «لقد کان لکم فی رسول الله اسوةً حسنه» نزدیک‌ترین افراد به خلق و خوی محمدی صلی‌الله‌علیه و آله و سلم بودند. لذا اهل منابر و مریبان تربیتی برای اتصال آسان جامعه به سیره‌ی نبوی، می‌توانند از خاطرات شهدا به عنوان شاهد مثال بهره‌برداری نمایند.

مهمترین وجه امتیاز خاطرات مذکور، به روز بودن آن و نیز امکان قوی همذات‌پنداری مخاطب با شهدای معاصر است. این کتب، امکان انتخاب خاطرات ناب، موجز و موضوعی را برای صاحبان کرسی‌های موعظه آسان کرده است.

۴- زنده نگه داشتن یاد و خاطره شهیدان - به فرموده‌ی رهبر معظم انقلاب اسلامی - کمتر از شهادت نیست، چرا که راه و رسم شهادت، راه عزت و نجات از اسارت نفس و استکبار است. و ما که از قافله عقب مانده‌ایم و مهجور از عند ربهم یرزقون، بدین وسیله ادای دین می‌کنیم. باشد که مقبول افتد.

۵- از شهیدان دفاع مقدس معمولاً بعد حماسی آنان بیشتر مورد توجه قرار گرفته است. جنبه‌های لطیف که حکایت از روح بلند و

منش و طبع کریمانه و رعایت نکات ظریف در زوایای مختلف زندگی فردی و اجتماعی آنان دارد، کمتر انعکاس پیدا کرده. نگاه این مجموعه بیشتر معطوف همین مسئله است.

مؤسسه فرهنگی هنری قدر ولایت در راستای اهداف ذکر شده، از اواخر سال ۱۳۸۶ ابتدا پیرامون این طرح، مطالعات شناختی را آغاز کرد و از میان موضوعات مختلف اخلاق فردی و اجتماعی، به ۳۰ موضوع که از عمومیت بیشتری در بین رزمندگان اسلام برخوردار بود رسید.

سپس کار فیش برداری در خصوص موضوعات آغاز شد. فیش برداران ارجمند طی تلاشی شش ماهه قریب غالب کتاب‌های دفاع مقدس چاپ شده تا این را تاریخ بررسی کردند تا به خاطراتی دست یابند که؛ ۱- فقط درباره‌ی شهدای دفاع مقدس باشد. ۲- خاطره باشد و نه گونه‌های ادبی دیگر ۳- از جذابیت لازم برخوردار باشد ۴- با اهداف یاد شده متناسب باشد.

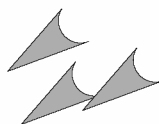
از میان کتابهای مورد بررسی، تمام خاطراتی که به دلیل تبدیل به گونه‌های دیگر ادبی دچار ضعف استناد شده بودند و نیز خاطراتی که جاذبه‌ی لازم را نداشتند و یا در خصوص شهدا نبودند، از دور خارج شد.

در مرحله‌ی بعدی فیش‌ها جهت تأیید مجدد بازخوانی شدند. سپس هر فیش با توجه به موضوع آن در پوشه‌ی مخصوص خود طبقه‌بندی گردید.

مراحل بعدی کار؛ حروف چینی، ویرایش، تهیه فهرست
موضوعی و اعلام بود که یکی پس از دیگری انجام شد.
سپاسگزاری می‌کنیم از تمام حامیان این طرح که آن را بر خود
فریضه دانستند و در مراحل مختلف آن مشتاقانه یاری رسان بودند.
و کسانی که در دریای فضایل و زیبایی‌های شهیدان غوطه
خوردند، دراز صدف‌ها جستند و خود به لیست گمنامان دفاع
فرهنگی از انقلاب اسلامی و راه شهیدان پیوستند.
و شما خواننده‌ی گرامی، به خاطر حسن سلیقه و انتخابتان.
امیدواریم این اقدام فرهنگی مرضی رضای حقتعالی و شهدای
عزیز قرار گرفته و همه‌ی ما مشمول توفیقات الهی و شفاعت مردان
بزرگ تاریخ انقلاب اسلامی که خاطرات زیبا و نام بلند آوازه‌شان در
این کتب ثبت گردیده، باشیم. ان شاءالله.

مؤسسه فرهنگی هنری قدر ولایت





مقدمه

بیت‌المال یا اموال عمومی، مال مردم است که بایستی برای آنان و مصالح‌شان هزینه شود. استفاده‌ی بدون برنامه و بدون حجت شرعی و قانونی، در واقع حیف و میل آن است. بدترین نوع استفاده از بیت‌المال، هزینه کرد آن در مصارف شخصی اعم از جاهت یا رفاه و بهره‌وری شخصی، گروهی و جناحی است. امام علی علیه‌السلام، در نامه‌ای به زیادبن‌ابییه که جانشین فرماندار بصره - ابن‌عباس - بود هشدار می‌دهد:

همانا من، به راستی به خدا سوگند می‌خورم! اگر به من گزارش کنند که در اموال عمومی خیانت کردی، کم یا زیاد، چنان بر تو سخت گیرم که کم بهره شده و در هزینه‌ی عیال، درمانده و خوار و سرگردان

شوی. (۱)

رهبر معظم انقلاب اسلامی، در الگوگیری از رفتار امام علی علیه‌السلام در عدالت و رعایت بیت‌المال و امانتداری می‌فرماید:

هرکس که بیت‌المال مسلمین را ملک خود به حساب می‌آورد - یا به زبان بگوید و یا اگر نگوید در عمل اینطور وانمود کند که ما این قدرها حق داریم - و با بیت‌المال مثل اموال شخصی خود رفتار کند - یا بخورد یا ببخشد یا در راه اغراض شخصی از آن استفاده کند - نمی‌تواند دنباله‌رو علی علیه‌السلام به حساب بیاید. (۲)

خیلی‌ها، حوزه و قلمرو بیت‌المال را به گونه‌ای تفسیر می‌کنند که تملک و مصرف آن از نظرشان بلامانع باشد. اینکه ما شبانه‌روز داریم زحمت می‌کشیم پس حق داریم، اینکه ما با این استفاده خدمت بیشتری می‌توانیم بکنیم و وقت بیشتری برای خدمت خواهیم داشت، اینکه مقررات و ضوابط این اجازه را داده است و ... دهها توجیه و مصلحت آفرینی دیگر، راه را برای استفاده از بیت‌المال و خدای ناکرده خیانت در اموال عمومی، هموار می‌نماید. بنابراین شناخت مصادیق و میدان بیت‌المال مهم است.

چون ناآگاهی نسبت به حیطة بیت‌المال، بستر لغزش و سوء استفاده را فراهم می‌نماید. امکانات عمومی، وقت موظفی در قبال مسئولیت عمومی، وجدان کاری و انضباط و رعایت اولویت‌ها همگی حیطة‌های

۱ - نهج البلاغه، نامه ۲۰.

۲ - بیانات مورخ ۱۳۸۰/۱/۱.

اموال عمومی هستند که بایستی با جدیت و دقت در راه منافع عمومی صرف شوند.

رزمندگان با تأسی از امام علی علیه السلام و سیره‌ی حضرت امام خمینی (ره)، آن‌چنان با احتیاط با اموال عمومی و امانت مردم روبرو می‌شوند که حقاً زیننده‌ی تقوا و اخلاص عمیق و معرفت ناب آنان بود. آنان حتی از اجازہ‌ی ضوابط و مقررات هم استفاده نمی‌کردند. نمونه بودند و الگو، در عین نیازمندی در سختی به سر می‌بردند و پرهیز می‌کردند از شبهه‌ی استفاده‌ی شخصی. این چه معنویت و ایمانی بود که حتی برای استفاده از یک کمپوت، یک دست لباس، یک پوتین، یک فشنگ که برای جبهه و رزمندگان ارسال شده بود آنقدر امساک و خویشتن‌داری و خودداری می‌کردند؟ راستی چگونه می‌توان عمل رزمنده‌ای را که وقتی مأموریتش نیمه تمام می‌ماند، غذای ساده‌ی مأموریت یعنی نان و تخم‌مرغ را به پشتیبانی برمی‌گرداند، را توجیه کرد؟ چقدر ایمان به قیامت و ترس از حسابرسی؟ چقدر بی‌ادعایی و حقی برای خود قائل نشدن در عین جانبازی و ایثارهای کم‌نظیر؟ امانت‌داری و رعایت بیت‌المال تا اینجا؟ تقوای مالی و انضباط اقتصادی تا این حد؟ چه زیبا و دقیق، پا جای پای اولیای خدا نهادند و چه عزتمندانه و بی‌اعتنا از کنار فایده‌ها و چرب و شیرین دنیا گذشته و تنها به لقای خدا و قرب او اندیشیدند. این خاطره‌ها، عظمت روح و کفّ نفس و قوت ایمان و اراده‌ی محکم رزمندگان را به نمایش می‌گذارند و همچون سایر ابعادشان، ما را متحیر و مبهور در حسرت این پاکبها و بزرگیها می‌گذارند و راه برون رفت از تمامی تعلّقات و

وابستگیها را نشانمان می دهند. و این که می شود در قرن علم و تمدن و
ماده گرایی، الهی زیست و پای بند معرفت و ایمان بود و این تمام
زیبایی و درخشندگی است. خوشا بحالشان

مؤسسه فرهنگی هنری قدر ولایت